

واردات بی‌رویه از خلال دندان تا مدیر!

چند روز قبل در خبرها آمده بود که نعمت‌زاده در همایش روز ملی صادرات پیشنهاد واردات مدیر برای اداره بخش‌های اقتصادی داده بود! وی گفته بود: «همانطور که در بخش ورزشی مربی خارجی به کشور می‌آوریم ...

تدبیر تازه برای حل مشکلات اقتصادی واردات بی‌رویه از خلال دندان تا مدیر!

چند روز قبل در خبرها آمده بود که نعمت‌زاده در همایش روز ملی صادرات پیشنهاد واردات مدیر برای اداره بخش‌های اقتصادی داده بود! وی گفته بود: «همانطور که در بخش ورزشی مربی خارجی به کشور می‌آوریم در اقتصاد نیز نیازمند آوردن مدیران اقتصادی خارجی هستیم. من به برخی از شرکت‌ها پیشنهاد واردات مدیران خارجی را دادم که برخی از آنها نیز اقدام به این کار کرده و از این شرایط استقبال کردند هیچ اشکالی ندارد که برای حضور در بازارهای بین‌المللی از مدیران باتجربه خارجی و دانش آنها استفاده کنیم.» نعمت‌زاده البته در این اظهارات خود نگفت که اگر مدیران خارجی موفق بوده‌اند چرا اقتصاد کشورهای بیگانه خصوصاً آمریکایی و اروپایی دچار بحران شده است و آنها به شدت به بازار ایران پس از لغو تحریم‌ها چشم دوخته‌اند.

از سوی دیگر آمار و ارقام منتشر شده از سوی مراکز رسمی و قانونی از واردات عجیب و غریب از کشورهای مختلف حکایت دارد! از خلال دندان تا کلنگ و پیانو و دسته بیل از چین، اسب از آلمان، آب پرتقال از اتریش، واکس، شامپو، کفش و جوجه از فرانسه، لوازم جشن کریسمس و کلاه‌گیس و ریش مصنوعی از دوبی و دهها و صدها قلم کالای دیگر که در آمار شهريور ماه سال جاری منتشر و موجب تعجب فعالان اقتصادی شد که زیر بار رکود کمر خم کرده‌اند.

گرچه درباره این سخنان نعمت‌زاده فراوان می‌توان نوشت، اما باید توجه کرد که این یک باور و اعتقاد در میان برخی مدیران مهم کشور است که بدون غرب نمی‌توان کاری کرد و برای حل همه مشکلات باید دست به دامن آنها شد و ما بدون آنها توان اداره امور خود را نداریم و حتی لازم است مدیر وارد کنیم! این سخنان البته از سوی کسی گفته می‌شود که بیش از سه دهه است بر مناصب مهم اقتصادی و صنعتی کشور تکیه زده است! این روش را مقایسه کنید با الگوی اقتصاد مقاومتی که درون‌زا و متکی به توان نیروی داخلی است. بر اساس این الگوی امتحان پس داده، تردیدی نیست که راه برون رفت از همه مشکلات تکیه بر توان داخلی و برنامه‌ریزی براساس نیروی تمام نشدنی ملت فهیم ایران است. تاکید مکرر رهبر عزیز انقلاب در پایان نامه اخیرشان به رئیس‌جمهور در موضوع برجام و یادآوری مجدد ضرورت استفاده همه جانبه از اقتصاد مقاومتی با بکارگیری عناوینی همچون «ضرورت جدیت، جدی گرفتن موضوع، توجه ویژه و ...» حکایت از آن دارد که آنگونه که باید و شاید به این مهم توجه نشده است و گرنه نیازی به این تصریح و تاکید دوباره نبود.

خودباوری، شرط اول حرکت برای رسیدن به مقصدی مشخص، شرط اول، خود باوری و اعتماد به نفس است و گرنه هرچند نقشه راهی تمام عیار - همچون گنجینه سخنان رهبری در موضوع اقتصاد مقاومتی- در دست داشته باشیم، مادام که اراده و باوری برای تحقق بخشیدن در کار نباشد، کمترین توفیقی بدست نمی‌آید. در همه سالهای پرشکوه جنگ، رزمندگان ما ثابت کردند که با تکیه بر هوشمندی خود و بکارگیری عنصر ایمان و اراده، می‌توان از همه موانع و تحریم‌های آن روزگار، آنهم در شرایط سخت و دشوار جنگی گذشت و دشمن را به زانو در آورد. این تجربه گرانسنگ اما پس از جنگ هم بکار بسته شد؟

کارنامه درخشان جوانان ایرانی آنچه رهبر انقلاب تحت عنوان اقتصاد مقاومتی بر آن بارها و بارها تاکید کرده‌اند و متأسفانه کمتر مورد عنایت قرار گرفته، نه یک گزاره ذهنی و صرفاً یک آرزوی زیباست بلکه ایشان براساس مدلی که امتحان خود را نه تنها در زمان جنگ و پس از آن هم پس داده بر این طرح تاکید می‌کنند

سالهای پس از جنگ، سالهای شکوفایی دهها و صدها استعداد کشف نشده جوانان و دانشمندان کشورمان در حوزه‌های مختلف بود. ایرانی که در موضوعات مختلف دچار تحریم‌های تکنولوژیک و تجهیزات بود، تنها طی یک دهه و بدست

جوانانش به مرحله‌ای رسید که در بسیاری از امور مهم و باور نکردنی به خودکفایی رسید و اندکی بعد در موضوعات بسیار مهم و خطیری سرآمد همگنان خود در منطقه و حتی در جهان شد و یکی پس از دیگری روی سکوه‌های افتخارآمیز جهان ایستاد

در سایه خودباوری و میدان دادن به رزمندگانی که از جبهه‌ها برگشته بودند، خیلی زود همه خرابی‌های شهرها آباد شد، نیروگاه‌های ما که دچار آسیب‌های جدی بود و هیچ کشور خارجی هم حاضر به سرمایه‌گذاری در آن نبود، بازسازی شد، ده‌ها و صدها سد از مرحله تحقیق و پژوهش تا ساخت و بکارگیری بدست مخلص‌ترین سربازان کشور ساخته شد و به جایی رسیدیم که سال‌های پی در پی حائز رتبه برتر در جهان شدیم. این فهرست تمام نشدنی است! در دهها رشته مهم علمی و در صدها پروژه اجرایی دانشمندان جوان ما جهان را به تعجب واداشتند. در نانو، لیزر، داروسازی، سدسازی، پل سازی، نفت و پتروشیمی، مواد غذایی و ... کارهایی انجام شد که روزگاری نزدیک شدن به آنها هم بدون کمک غرب، محال و ناممکن به نظر می‌رسید اما بچه‌های ایرانی ثابت کردند که «ما می‌توانیم».

ما نمی‌توانیم!

همه آن دستاوردها مربوط به زمانی بود که رهبر انقلاب مدام بر توانایی فرزندان ایران تاکید می‌کردند و مسئولان هم اگر کاری برای شکوفایی این استعدادها نمی‌کردند، بار بر دوش آنها نبودند که از حق نگذریم در بسیاری عرصه‌ها میدان را بر روی آنان گشودند. اما اکنون و با اوجگیری رفتار خصمانه غرب علیه مردم کشورمان و در شرایطی که بیش از هر وقت دیگری به ثمر نشستن تلاش‌ها و مجاهدتهای علمی فرزندان ایران مورد نیاز است و وقت آن فرارسیده که سالها تلاش و تمرین آنها در مراکز علمی، به نسخه‌های عینی و کاربردی تبدیل شود، عده‌ای میدان‌دار شده‌اند که نه خود هنری دارند و نه هنر فرزندان ایران را می‌پذیرند! ترجیح بند رفتار آنان «ما نمی‌توانیم» است هرچند به زبان به تعریف و تمجید از بیانات رهبر عزیز انقلاب روی بیاورند. مصادیق و نمونه‌های متعددی از این افراد در دوره اخیر در دست داریم، از کسی که در اوج اقتدار نظامی کشور، تصور می‌کرد آمریکایی‌ها ظرف 5 دقیقه می‌توانند تمام زیر ساخت‌های ما را نابود کنند! تا کسی که با نادیده گرفتن توان و ایستادگی ملت، در اوج مذاکرات به دشمن اینگونه گرا داد که «خزانه خالی است!» و به روی خود نیاورد که صندوق ذخیره ارزی، توان ملی، تاثیر ایران در مناسبات انرژی و ... چه جایگاهی در اداره کشور و اقتصاد جهان دارد. اما شاید سرآمد همه آنها که دچار خود کم‌بینی و ضعف نفس هستند، کسی نباشد جز جناب نعمت‌زاده، وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت. او که اتفاقا باید پرچمدار خودباوری و تکیه بر توان بومی باشد، چنان مفتون و شیفته غرب است که با در افشانی‌های گاه و بیگاهش، دل هر انسان وطن دوستی را بدرد می‌آورد. نعمت زاده همان وزیری است که نوروز دوسال قبل قریب دوماه در حالی که وزیر مهمترین بخش اقتصادی کشور بود، در ایران حضور نداشت! علت این امر اقدام وی برای عمل جراحی روی گوشش در کشور آلمان بود! وی پس از دو ماه که به وطن بازگشت در اظهاراتی مشمئزکننده و تحقیرآمیز، ضمن تعریف و تمجید از کیفیت بیمارستان و عمل جراحی، مدعی شد در آنجا با تکنولوژی مورد جراحی قرار گرفته که تا صد سال دیگر هم به ایران نمیرسد! این حرف بی‌ربط و بی‌مبنای آقای وزیر، مورد اعتراض مجموعه‌هایی از پزشکان متخصص گوش قرار گرفت، چون در همان حالی که نعمت‌زاده این سخنان را بر زبان می‌راند، کشورمان میزبان جمع کثیری از اتباع خارجی برای انجام درمان‌های مختلف بود که خود، بهترین نشانه از توانمندی و اعتبار علمی دانشمندان و پزشکان داخلی بود. البته باید اذعان کرد که پزشکان کشورمان هنوز به دانشی دست نیافته‌اند که بتواند گوش کسی را برای «شنیدن حرف حق» معالجه کند و البته بعید است در دیگر کشورها هم چنین دانشی فراهم آمده باشد! اما این همه حرف‌های آقای وزیر نبود و وی اخیرا در سخنان دیگری، در روز ملی صادرات حرف‌هایی زده که به نظر نوعی خودزنی نسبت به خودش و برخی دیگر از وزرای کابینه تلقی می‌شود! وی که منطقا به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت باید سخنانی در باب تسهیل صادرات و یا اقداماتش در دوسال گذشته در موضوع افزایش صادرات غیرنفتی ارائه می‌داد، ترجیح داد به ریشه‌یابی و علت مشکلات بپردازد و صادقانه از ناکامی‌ها و بلا تکلیفی مردم در عرصه اقتصاد سخن بگوید. گرچه قصد نعمت‌زاده پرداختن به این موضوع نبود اما از سخنانش چیزی جز این بر نمی‌آید! او با مقایسه عرصه مدیریت کشور و اقتصاد با عرصه مدیریت فوتبال مدعی شد بهتر است همان گونه که مربی فوتبال خارجی وارد می‌کنیم، مدیر خارجی هم وارد کنیم تا امور بهتر اداره شود! این سخنان از یک سو اوج حقارت و خود کم‌بینی در برابر بیگانگان از سوی گوینده را نشان می‌دهد و از دیگر سو بیانگر این است که یک مدیر ارشد کشور تا چه حد از واقعیات جامعه علمی و مدیریتی کشور بیگانه و به دور است که حتی نمی‌تواند از بین نخبگان کشورش مدیر انتخاب کند و به ناچار درصدد انتخاب و به کارگیری مدیر خارجی است! این خودباختگی و احساس حقارت زمانی تلخ‌تر می‌شود که بدانیم گوینده سخن نه از منظر یک عضو عادی جامعه، نه از منظر یک کلان سرمایه‌دار هزاران میلیاردی و مالک ده‌ها بنگاه اقتصادی در حوزه پتروشیمی و ... که از منظر وزیر صنعت، معدن و تجارت بیان می‌شود! یعنی همان کسی که به حکم رهبری و براساس قانون قرار بوده همه هم و غم خود را برای ارتقای صنایع ملی و خودکفایی و تکیه بر توان و دانش بومی و در یک کلام اقتصاد مقاومتی قرار دهد، آنقدر از موضوع بیگانه است که در گام اول یعنی مدیریت ماجرا هم مانده و دلش می‌خواهد دست به دامن بیگانگان شود! او البته به این پرسش اساسی پاسخ نمی‌دهد که اگر قرار باشد مدیر خارجی به کشور بیاید، زیر دست کسی مثل او کار می‌کند؟! و اگر مدیر خارجی خوب است و می‌تواند گره‌ای از کار کشور- که به دست مدیرانی چون نعمت‌زاده بر زندگی مردم زده شده- باز کند، چرا مدیریت میانی را به او بدهیم و مثلا چرا وزیر وارد نکنیم تا هم از علم و توان فرنگی استفاده بهتری کرده باشیم و هم جناب نعمت‌زاده بتواند با فراغ بال به رتق و فتق

امور بنگاه‌های متعدد اقتصادی اش بپردازد! البته بعید است در سیستم رانتی کنونی این امکان فراهم باشد که مدیران ثروتمند دولتی به جای اصلی خودشان بازگردانده شوند که اگر چنین شود، اولاً به مصداق گر حکم شود که مست گیرند... باید با عده زیادی از مسئولان ارشد دولتی وداع کرد و ثانیاً در آینده نزدیک و با قطع رانت، شاهد ورشکستگی آنها باشیم! چرا که حیات آنها نشستن در مصدر تصدی اموری است که همزمان در همان امور شاغل هم هستند و رقیب بخش خصوصی! اتفاقی که این روزها در عرصه پتروشیمی و تلاش برای حذف این محصول کلیدی از بورس کالا شاهد آنیم.

به هر حال مدیرانی چون ترکان که با توهین به مردم و چشم بستن به همه موفقیت‌های دانشمندان کشورمان، ایران را صرفاً متخصص در پخت قرمه سبزی و آبگوشت بزباش معرفی کرده بود (و نمی‌گوید در چنین کشوری، چرا او ابوالمشاغل است و حاضر نیست یکی از سمت‌هایش را به یک متخصص واگذار کند) یا نعمت زاده و ... نشان داده‌اند که دچار خودباختگی، خودکم‌بینی در برابر غرب و ناباوری به توان داخلی هستند و هرگز نمی‌توانند برای تحقق اقتصاد مقاومتی قدمی بردارند چون از اساس به این موضوع اعتقادی ندارند و نمی‌توان با امید به آنها کاری کرد و جای تاسف است که فرصت‌های یک ملت، با مناسبات و زد و بندهای سیاسی در اختیار چنین افرادی قرار می‌گیرد که فرجام شوم و سوء آن قابل پیش‌بینی است.